4شنبه 24/11/1403-13شعبان 1446-12فوریه 2025- درس 92فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع اثر بخشی رهبری سازمانی – صفح و ضد آن انتقام –

مساله 82: مدیران در مقام ایفای کامل نقش رهبری سازمانی ملزم به طی فرآیند تکاملی عفو به صفح در تدبیر نفس و تدبیر سازمان می باشند .

***شرح مساله*** :معلوم شد که عفو واجب وشرط صحت رهبری سازمانی است و در جهت ضد آن«حقد»[[1]](#footnote-1) به معنای غضب ثابت حرام ومانع صحت رهبری سازمانی است . لذا رهبری مقتضی انگیزش کارکنان سازمان است به شرط بود عفو و نبود حقد .والبته صفح که عفو پیش رفته و عالی است هم شرط کمال رهبری است و انتقام مانع کمال رهبری است . کمال رهبری باعث تعالی مستمر و همه جانبه سازمان میشود . ( البته با هماهنگی دیگر جنود عقل) . عدم اکتفا به عفو وتبدیل آن به صفح از شایستگی های بی پایان مدیران صاحب همم عالیه و راقیه است . اما چگونه این فرآیند غنی سازی عفو پدید می آید ؟ باید اولا قلب و نفس را از رذیله حقد پاکسازی کرد[[2]](#footnote-2) بلکه مانع ظهور آن در دل شد و از خدا وند عفُّو استعانت جست لعموم :" لاتجعل فی قلوبنا غلا " ای حقدا . ونیز دائم به یاد معاد بود و عاقبت بد حاقدین در آن روز . و سرنوشت شوم[[3]](#footnote-3) کینه جویان حقوقی و حقیقی در این جهان مورد مطالعه دائمی قرار گیرد و از مشاوره توانمندسازان توانا و دانا بهره مند شدن و تمرین مستمر برای خروج تدریجی از سینه و... اگر با معنویات و خودسازی و تدبیر نفس ریشه حقد را دل بر کنیم ریشه انتقام که معلول حقد است هم خشکیده میشود. انتقام یعنی حقد بروز کرده از جوانح به جوارح کما اینکه صفح جلوه گری عفو در قامتی رشید تر است. لذا خشکاندن حقد[[4]](#footnote-4) باعث عدم بروز فرهنگ انتقام و و رویاندن عفو با آبیاری معنویت باعث بروز فرهمگ صفح است که مثل عفو دارای امر وحیانی و ربانی است لاطلاق قوله تعالی :"فاعفوا واصفحوا" و عموم :" ولیعفوا ولیصفحوا" دو تکلیف متکامل بویژه برای مدیران در نقش رهبری و البته صفح با وصف جمیل مستقل از عفو هم مشمول طلب الزامی ربوبی است :" فاصفح الصفح الجمیل " [[5]](#footnote-5) مثل صبر جمیل . که خطاب به پیامبر اعظم به عنوان عالی ترین مدیرتاریخ است و تاسی به او واجب است که مامور به صفح است به دلیل این که مدیر بالاتر او خلاق و علیم است . بدیهی است که تمرکز روی انتقام از این آن را مانع خلاقیت و دانش افزایی و دانایی بالا است فافهم .

حال باید صفح جمیل را مورد تفقه قرار داد [[6]](#footnote-6) تا ضدش انتقام نیز تعریف شود . صفح عفو بی منت ،بی درشتی ، بی ریا است از حافظه و آرشیو حراست وصیانت پاک کردن ،تبرئه کامل ، گویا هیچ اتفاقی نیفتاده ،که یاید با تشویق نادم همراه شود نه فقط منع تعقیب باشد و صرف سکوت بلکه از صفحه دل حذف کردن نه از صفحه پرونده . که بسا عفوی که از مکارم است همان صفح است که صفحه را نه تنها بر میگرداند بلکه میسوزاند و محو میکند مثل فعل ربوبی که :" یبدل الله سیئاتهم حسنات" و فعل مومنانه :" ادفع بالتی هی احسن السیئه" صفح جند عقل است زیرا منافع و مصالح بیشماری را برای جامعه و مجموعه ببار می آورد به تثبیت فرهنگ اخوت کمک میکند اعتصام و انسجام سازمان را مطلوبیت می بخشد .لذا به آن امر بعد از امر شده است . باعث نفوذ مدیر اهل صفح و هدایتگری موثر تر او میشود با صفح بعد از عفو نشان میدهد که صالح است و به خود نمی اندیشد لذا به افقی که برای سازمان ترسیم میکند همه دل میبندند . البته همه مورد صفح قرار نمیگیرند ولو مورد عفو قرار بگیرند عفو نماد رحمت رحمانیه مدیر و صفح نشان رحمت رحیمیه اوست . که متوجه نادمانی است واقعی که با صفح، به قهرمان جبران بدل میشوند و کارکنان را هم به صلاح و اصلاح فرا میخواند و برای سازمان بهبود مستمر به ارمغان می آورد ولی کارکرد عفو لزوما این چنین نیست شاید دوباره به فساد بر گردد و کم له من نظیر .صفح شامل کسانی میشود که «ظلمت نفسی» و «ظلمنا انفسنا" را از عمق وجود فریاد کنند . یعنی هم اقرار به ظلم کنند و هم نادم باشند و هم ظلم به مدیریت وسازمان را ظلم به خود بداند لقوله تعالی :" و ما ظلمناهم و لکن کانوا انفسهم یظلمون"[[7]](#footnote-7) و " ان الله لیس بظلام للعبید " و... ظلم به گروه وظلم به سازمان و رهبران آن ظلم به فرد است . و ظالم نادمی که این واقعیت را به خوبی دریافته باشد و میل به اصلاح و جبران و تبیین داشته باشد موضوع برای وجوب صفح به عهده مدیر راهبر است .و تا به این درجه خلوص نرسیده باشد شایسته صفح نیست ولو مشمول عفو باشد .صفح زمینه ارتقاء جایگاه و توسعه قلمرو خدمت را برای مصفوح فراهم میکند حتی به مقامات عالیه هم میتواند نائل شود ولی معفواین چنین نیست فقط فرصت تداوم خدمت در شغل فعلی یا حتی در رده پایین تر را دارا خواهد شد و اخراج نخواهد شد و چه بسا نیاز به حراست بیش تری دارد به خلاف مصفوح [[8]](#footnote-8) لظهور " فاعفوا و اصفحوا " در برتری درجه صفح بر عفو کما لایخفی . این استظهار موید به فقه اللغه و فقه الحدیث [[9]](#footnote-9)هم هست کما مر و یاتی .پیامد صفح پیشگیری از حاکمیت فرهنگ انتقام در سازمان است الا بالضروره .صفح فرهنگ سازمانی مطلوب است که از ازاله حقد و غل شروع با اشاعه عفو ادامه وبه تدریج به قله صفح میرسد . لذا مدیرانی که این فرآیند را طی نمایند وظیفه رهبری خود را بکماله و تمامه ادا میکنند . (والله العالم)

فتحصل : مدیران در مقام ایفای کامل نقش رهبری سازمانی ملزم به طی فرآیند تکاملی عفو به صفح در تدبیر نفس و تدبیر سازمان می باشند .

1. كافي (ط - دار الحديث) / ج‏1 / 46 / [1] كتاب العقل و الجهل ..... ص : 23

   (6). في «بو» و المحاسن و العلل و الخصال: «التجبّر». و في المحاسن و العلل و الخصال:+/ «و العفو و ضدّه الحقد، و الرقّة- في العلل: «الرحمة»- و ضدّها الشقوة، و اليقين و ضدّها الشكّ». و في الوافي: «و ربّما يوجد في بعض نسخ الكافي و غيره: التسليم و ضدّه التجبّر، و العفو و ضدّه الحقد، و الرقّة و ضدّها القسوة، و اليقين و ضدّه الشكّ». [↑](#footnote-ref-1)
2. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 230 / باب المؤمن و علاماته و صفاته ..... ص : 226وَ قَنِعَ فَاسْتَغْنَى حَيَاؤُهُ يَعْلُو شَهْوَتَهُ وَ وُدُّهُ يَعْلُو حَسَدَهُ وَ عَفْوُهُ يَعْلُو حِقْدَه و......... [↑](#footnote-ref-2)
3. تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   ذم الحقد

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6763 الْحِقْدُ أَلْأَمُ [لام‏] الْعُيُوبِ (239/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6764 الْحِقْدُ خُلُقٌ دَنِيٌّ وَ مَرَضٌ [عرض‏] مُرْدِي (388/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6765 الْحِقْدُ دَاءٌ دَوِيٌّ وَ مَرَضٌ مُوبِئٌ (388/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6766 الْحِقْدُ نَارٌ لَا تُطْفَأُ إِلَّا بِالظَّفَرِ [كَامِنَةٌ لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا مَوْتٌ أَوْ ظَفَرٌ] (163/ 2).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6767 الْحِقْدُ مِنْ طَبَائِعِ الْأَشْرَارِ (163/ 2).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6768 أَلْأَمُ الْخُلُقِ الْحِقْدُ (383/ 2).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6770 رَأْسُ الْعُيُوبِ الْحِقْدُ (51/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6771 سِلَاحُ الشَّرِّ الْحِقْدُ (129/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6772 شَرُّ مَا سَكَنَ الْقَلْبَ الْحِقْدُ (164/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6773 طَهِّرُوا قُلُوبَكُمْ مِنَ الْحِقْدِ فَإِنَّهُ دَاءٌ مُوبِئٌ (256/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / ذم الحقد ..... ص : 299

   6774 مَنِ اطَّرَحَ الْحِقْدَ اسْتَرَاحَ قَلْبُهُ وَ لُبُّهُ (326/ 5).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   بعض آثار الحقد

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6775 الْحِقْدُ يُذْرِي [يدوى‏] (17/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6776 الْحِقْدُ مَثَارُ الْغَضَبِ (142/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6779 ثَلَاثٌ لَا يَهْنَأُ لِصَاحِبِهِنَّ عَيْشٌ الْحِقْدُ وَ الْحَسَدُ وَ سُوءُ الْخُلُقِ (337/ 3).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6780 دَعِ الْحَسَدَ وَ الْكَذِبَ وَ الْحِقْدَ فَإِنَّهُنَّ ثَلَاثَةٌ تَشِينُ الدِّينَ وَ تُهْلِكُ الرَّجُلَ (19/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6781 سَبَبُ الْفِتَنِ الْحِقْدُ (121/ 4).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / بعض آثار الحقد ..... ص : 299

   6782 مَنْ كَثُرَ حِقْدُهُ‏ قَلَّ عِتَابُهُ (203/ 5).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / رابطة الحقد و الحسد ..... ص : 299

   رابطة الحقد و الحسد

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / رابطة الحقد و الحسد ..... ص : 299

   6787 الْحِقْدُ شِيمَةُ الْحَسَدَةِ (115/ 1).

   تصنيف غرر الحكم و درر الكلم / 299 / رابطة الحقد و الحسد ..... ص : 299

   6788 شِدَّةُ الْحِقْدِ مِنْ شِدَّةِ الْحَسَدِ (179/ 4). [↑](#footnote-ref-3)
4. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر / 139 / لمع من كلام الإمام أبي الحسن على بن محمد بن على الرضا عليهم السلام

   12- وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِتَابُ مِفْتَاحُ التَّقَالِي، وَ الْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحِقْدِ. [↑](#footnote-ref-4)
5. ه آیه ۸۵ [سوره حجر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D8%AD%D8%AC%D8%B1" \o "سوره حجر" \t "_blank) «آیه صفح» می‌گویند: (و ما خلقنا السماوات و الارض و ما بینهما الا بالحق و ان الساعة لآتیة فاصفح الصفح الجمیل)؛ «ما آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است، جز به حق نیافریدیم، و ساعت موعود ( [قیامت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%AA" \o "قیامت" \t "_blank) ) قطعا فرا خواهد رسید، از آنها (دشمنان) به خوبی صرفنظر کن (و آنها را به نادانیهایشان ملامت ننما) » [↑](#footnote-ref-5)
6. «صفح» به معنی روی هر چیزی است مانند صفحه صورت، و به همین جهت" فاصفح" به معنای: «روی بگردان و صرف نظر کن» آمده است. در این [آیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D9%87" \o "آیه" \t "_blank) ، [خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "خداوند" \t "_blank) به پیامبرش دستور می‌دهد که در برابر لجاجت، نادانیها، تعصبها، کارشکنی‌ها و مخالفتهای سرسختانه مشرکان، ملایمت و محبت نشان ده، و از گناهان آنها صرف نظر کن. و از آنجا که روی گرداندن از چیزی گاهی به خاطر بی اعتنایی و قهر کردن و مانند آنست، و گاهی به خاطر عفو و گذشت بزرگوارانه، لذا در آیه فوق بلافاصله آن را با کلمه جمیل (زیبا) توصیف می‌کند، یعنی: آنها را ببخش، بخششی زیبا که حتی توام با ملامت نباشد، زیرا تو با داشتن دلیل روشن در راه دعوت و رسالتی که به آن ماموری، برای تحکیم پایه‌های مبدء و [معاد](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%AF" \o "معاد" \t "_blank) در قلوب مردم، نیازی به خشونت نداری، چرا که [منطق](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%86%D8%B7%D9%82" \o "منطق" \t "_blank) و [عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84" \o "عقل" \t "_blank) با تو است، به علاوه خشونت در برابر جاهلان، غالبا موجب افزایش خشونت و [تعصب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B9%D8%B5%D8%A8" \o "تعصب" \t "_blank) آنها است.

   بعضی تصور کرده‌اند، این دستور مخصوص دوران زندگی [پیامبر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1" \o "پیامبر" \t "_blank) صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم در [مکه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%87" \o "مکه" \t "_blank) بوده است، و پس از آنکه به [مدینه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%87" \o "مدینه" \t "_blank) [هجرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AC%D8%B1%D8%AA" \o "هجرت" \t "_blank) نمود و مسلمانان [قدرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA" \o "قدرت" \t "_blank) یافتند این دستور [نسخ](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B3%D8%AE" \o "نسخ" \t "_blank) شد و دستور [جهاد](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF" \o "جهاد" \t "_blank) جای آن را گرفت. ولی با توجه به اینکه این دستور در [سوره‌های مدنی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%85%D8%AF%D9%86%DB%8C" \o "سوره‌های مدنی" \t "_blank) نیز آمده، مانند [سوره بقره](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D8%A8%D9%82%D8%B1%D9%87" \o "سوره بقره" \t "_blank) و [سوره نور](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%86%D9%88%D8%B1" \o "سوره نور" \t "_blank) و [سوره تغابن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D8%AA%D8%BA%D8%A7%D8%A8%D9%86" \o "سوره تغابن" \t "_blank) و [سوره مائده](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87_%D9%85%D8%A7%D8%A6%D8%AF%D9%87" \o "سوره مائده" \t "_blank) که در بعضی به [پیامبر](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1) صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم دستور صفح و عفو داده شده و در بعضی به مؤمنان، روشن می‌شود که این یک دستور عمومی و ابدی است، و اتفاقا هیچ منافاتی با دستور جهاد ندارد، زیرا هر یک از این دو جای مخصوص به خود دارند، در جایی باید با عفو و گذشت پیشرفت کرد، و به هنگامی که عفو و گذشت سبب جرات و [جسارت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D8%AA" \o "جسارت (پیوندی وجود ندارد)) و سوء استفاده گردد چاره‌ای جز شدت عمل نیست.(ویکی فقه) به پيامبرش دستور مى‌دهد كه در برابر لجاجت، نادانيها، تعصبها، كارشكنى‌ها و مخالفتهاى سرسختانه آنان، ملايمت و محبت نشان ده، و" از گناهان آنها صرف نظر كن، و آنها را ببخش، بخششى زيبا كه حتى توام با ملامت نباشد" (فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ‌).مکارم) روى گرداندن از چيزى گاهى به خاطر بى‌اعتنايى و قهر كردن و مانند آنست، و گاهى به خاطر عفو و گذشت بزرگوارانه، لذا در آيه فوق بلافاصله آن را با كلمه جميل (زيبا) توصيف مى‌كند تا معنى دوم را برساند.(مکارم) در روايتى از امام على بن موسى الرضا ع مى‌خوانيم كه در تفسير اين آيه فرمود:

   العفو من غير عتاب:

   " منظور، عفو كردن خالى از مؤاخذه و سرزنش است" [[1]](https://lib.eshia.ir/50082/11/128" \l "_ftn1) نظير اين حديث از امام زين العابدين ع نيز نقل شده است‌ [[2]](https://lib.eshia.ir/50082/11/128" \l "_ftn2)

   \*\*\*

   آيه بعد- به طورى كه جمعى از مفسران گفته‌اند- در واقع به منزله دليلى بر لزوم گذشت و عفو و صفح جميل است، مى‌گويد:" پروردگار، آفريننده و آگاه است" (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ‌).

   او مى‌داند كه همه مردم يكسان نيستند، او از اسرار درون و طبايع و ميزان رشد فكرى و احساسات مختلف آنها با خبر است، نبايد از همه آنها انتظار داشته باشى كه يكسان باشند بلكه بايد با روحيه عفو و گذشت با آنها برخورد كنى تا تدريجا تربيت شوند، به راه حق آيند.

   البته اين سخن به آن معنى نيست كه مردم در راه و روش خود و اعمالى كه انجام مى‌دهند مجبورند بلكه صرفا اشاره به يك دستور تربيتى است كه مربوط به تفاوت تفكر و استعدادها مى‌باشد(مکارم) لصفح الجميل) \* أي: فأعرض يا محمد عن مجازاة المشركين، وعن مجاوبتهم، واعف عنهم عفوا جميلا.  
   واختلف في الآية فقيل: إنها منسوخة بآية القتال، عن ابن عباس، وقتادة، ومجاهد، والضحاك. وقيل: لا نسخ فيه، بل هو فيما بين النبي صلى الله عليه وآله وسلم، وبينهم، لا فيما أمر به من جهة جهادهم. أمره بالصفح عنهم في موضع الصفح لقوله \* (فأعرض عنهم وعظهم) \*، عن الحسن. قال القاضي: والصفح ممدوح في سائر الحالات، وهو كالحلم والتواضع، وقد يلزمنا الصفح الجميل مع لزوم التشديد في أمر الجهاد، وحكي عن علي بن أبي طالب عليه السلام: إن الصفح الجميل هو العفو من غير عتاب.  
   وقيل: هو العفو بغير تعنيف، وتوبيخ(طبرسی)   
   قوله تعالى : ( فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ) قال في المفردات : صفح الشيء عرضه وجانبه كصفحة الوجه وصفحة السيف وصفحة الحجر والصفح ترك التثريب وهو أبلغ من العفو ولذلك قال : ( فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللهُ بِأَمْرِهِ ) وقد يعفوا الإنسان ولا يصفح قال تعالى : ( فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلامٌ ) ( فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ) ( أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحاً ).

   وصفحت عنه أوليته صفحة جميلة معرضا عن ذنبه أو لقيت صفحته متجافيا عنه أو تجاوزت الصفحة التي أثبت فيها ذنبه من الكتاب إلى غيرها من قولك تصفحت الكتاب ، وقوله : ( إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ) فأمر له عليه‌السلام أن يخفف كفر من كفر كما قال : ( وَلا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ) والمصافحة الإفضاء بصفحة اليد. انتهى.

   وسيأتي ما في الرواية من تفسير علي عليه‌السلام الصفح بالعفو من غير عتاب.

   وقوله : ( فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ) تفريع على سابقه أي إذا كانت الخلقة بالحق وهناك يوم فيه يحاسبون ويجازون لا ريب فيه فلا تشغل نفسك بما ترى منهم من التكذيب والاستهزاء واعف عنهم من غير أن تقع فيهم بعتاب أو مناقشة وجدال فإن ربك الذي خلقك وخلقهم هو عليم بحالك وحالهم ووراءهم يوم لا يفوتونه.

   ومن هنا يظهر أن قوله : ( إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ) تعليل لقوله : ( فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ).وهذه الآيات الحافة لقوله : ( فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ ) تسلية للنبي صلى‌الله‌عليه‌وآله وتطييب لنفسه ليأخذ قوله : ( فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ ) موقعه فقد عرفت في أول السورة أن الغرض الأصيل منها هو الأمر بإعلان الدعوة وعرفت أيضا بالتدبر في الآيات السابقة أنها مسرودة ليتخلص بها إلى تسليته صلى‌الله‌عليه‌وآله عما لقي من قومه من الإيذاء والإهانة والاستهزاء ويتخلص من ذلك إلى الأمر المطلوب.(المیزان)   
   [معناى صفح و فرق آن با عفو و مفاد جمله:(فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ...)]

   (فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ).

   در مفردات گفته است: صفح هر چيزى پهنا و كناره آن است مانند صفحه صورت، صفحه شمشير و صفحه سنگ، و نيز صفح به معناى ترك مؤاخذه است، مانند عفو، و ليكن از عفو بليغ‌تر و رساتر است، و لذا در قرآن كريم هر دو، پهلوى هم آمده و فرموده:

   (فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ)، چون گاهى مى‌شود كه انسان عفو مى‌كند ولى صفح نمى‌كند، و اين كلمه در چند جاى قرآن آمده، مانند:(فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلامٌ) و(فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) و(أَ فَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحاً)[[1]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89#_ftn1).

   و آن معناى اضافى كه گفتيم در صفح هست، عبارتست از: روى خوش نشان دادن، پس معناى صفحت عنه اين است كه علاوه بر اينكه او را عفو كردم روى خوش هم به او نشان دادم، و يا اين است كه من صفحه روى او را ديدم در حالى كه به روى خود نياوردم، و يا اين است كه آن صفحه‌اى كه گناه و جرم او را در آن ثبت كرده بودم و رق زده و به صفحه ديگر رد شدم و اين معنا از و رق زدن كتاب اخذ شده، گويا كتاب خاطرات او را و رق زده است.

   و در جمله‌(إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) خداى تعالى به پيامبرش دستور مى‌دهد كه از كفر هر كس كه كفر ورزيده غمگين نشود و غم و اندوه خويش را تخفيف دهد، هم چنان كه در آيه‌(وَ لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ)[[2]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89#_ftn2) همين دستور را داده، و كلمه مصافحه به معناى ماليدن كف دست به دست ديگرى است‌[[3]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89" \l "_ftn3" \o ").

   و به زودى در روايتى خواهد آمد كه امام على بن ابى طالب (ع) صفح را به عفو بدون عتاب تفسير فرموده‌اند.

   جمله‌(فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) تفريع بر مطالب قبلى است، و فاء تفريع چنين معنايى به آن مى‌دهد: حال كه خلقت عالم به حق است و روزى هست كه اينان در آن روز محاسبه و مجازات مى‌شوند، پس ديگر به فكر تكذيب و استهزاء آنان فرو مرو و از آنان درگذر، بدون اينكه عتاب و يا مناقشه و جدالى بكنى، براى اينكه پروردگار تو كه تو و ايشان را آفريده و از وضع تو و حال ايشان با خبر است، دنبال سرشان روزى دارد كه در آن روز هيچ چيزى فوت نمى‌شود.

   از همين جا روشن مى‌شود كه جمله‌(إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ) تعليل براى جمله‌(فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ) است.

   و اين آيات كه در قبل و بعد جمله‌(فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ) قرار دارد جنبه آرامش قلب رسول خدا 6 را داشته و در مقام رضايت خاطر آن جناب است تا دستور(فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ) آن طور كه بايد، جاى خود را بگيرد، و اگر خواننده عزيز به خاطر داشته باشد در اول سوره گفتيم كه: غرض اصلى از اين سوره دستور يا اعلام علنى دعوت است، و نيز از آيات سابق- اگر دقت فرموده باشيد- اين معنا را مى‌فهميد كه آيات مذكور در اين مقام است كه از مطلب قبلى به نحوى بيرون آمده و مساله تسليت رسول خدا 6 را پيش مى‌كشد و آن جناب را در آنچه از قومش از آزارها و توهين‌ها و استهزاءها ديده تسلى مى‌دهد و دوباره بر سر مطلب قبلى مى‌رود

   [[1]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89#_ftnref1) مفردات راغب، ماده صفح .

   [[2]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89" \l "_ftnref2" \o ") و بر آنان غمگين مشو و از مكر و حيله آنان دلتنگ مباش، سوره نحل، آيه 127.

   [[3]](https://lib.eshia.ir/50081/12/280/%D8%A8%D8%B7%D9%88%D8%B1%D9%89" \l "_ftnref3" \o ") مفردات راغب، ماده صفح .

   صفح، از آموزه‌های معاشرت اسلامی است که قرآن کریم در چندین آیه به آن دعوت کرده است. گرچه برخی از واژه‌پژوهان و مفسران، صفح و عفو را هم‌معنا دانسته‌اند، به نظر برخی دیگر از لغت‌دانان و بسیاری از مفسران، از جمله علامه جوادی آملی، صفح که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم-السلام به «جمیل/زیبا» وصف شده، معنایی متفاوت با عفو دارد و برتر از عفو و برخاسته از کرامت نفسانی ویژه‌ای است، زیرا عفو به معنای ترک انتقام؛ ولی صفح، به معنای صرف نظر کردن از اصل تبهکاری، زدودن کینه و ناراحتی از دل، و صفحه‌گردانی کریمانه و ندیدن صفحه‌ای از خاطرات خود که خطا و زشتی و تجاوز دیگران بر آن نقش بسته، و چشم‌پوشی از آن و گشودن صفحه‌ای زیبا و فراموش کردن خطای خطاکار است که از آثار آن نه تنها ترک انتقام، بلکه ترک نکوهش و سرزنش شخص خطاکار است. ادلّه و شواهد دیدگاه دوم عبارت‌اند از: تصریح برخی واژه‌پژوهان و کتاب‌های فروق ‌اللغه؛ هماهنگی معنای اصطلاحی **یادشده با معنای لغوی؛ شاهد قرآنی؛ شاهد روایی و آرای مفسران، به ویژه مفسران ادیب. در این مقاله این ادله و شواهد به تفصیل بررسی می‌شوند.(علی مدبر)**

   |  |
   | --- |
   | **[[1]](https://lib.eshia.ir/50082/11/127" \l "_ftnref1) فيروزآبادى در قاموس مى‌گويد: دامنه كوه را" صفح" و پهنى شمشير را نيز" صفح" و صورت را نيز" صفح" گويند و" صفح" به معنى طرف و روى هر چيزى است.** |

   [↑](#footnote-ref-6)
7. هود : 101 وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتي‏ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْ‏ءٍ لَمَّا جاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبيبٍ

   النحل : 118 وَ عَلَى الَّذينَ هادُوا حَرَّمْنا ما قَصَصْنا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

   الزخرف : 76 وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا هُمُ الظَّالِمينَ [↑](#footnote-ref-7)
8. مَصفُوح، پهن شده، عریض، در گذشته و عفو گردیده (خطایا و گناهان)، نظر گردیده،

   . **شناسه حدیث :  ۴۱۴۱۰۴**   |   **نشانی :  تفسير کنز الدقائق و بحر الغرائب  ,  جلد۲  ,  صفحه۳۹۳  عنوان باب :   الجزء الثاني  سورة البقرة من الآية 59 الى آخر السورة  [سورة البقرة (2): الآیات 249 الی 254]قائل :   امیرالمؤمنین (علیه السلام)**

   في أصول الكافي : عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن أبيه رفعه، عن محمّد بن داود الغنويّ، عن الأصبغ بن نباتة، عن أمير المؤمنين - عليه السّلام - في حديث طويل. يقول فيه - عليه السّلام: فأمّا ما ذكر من أمر السّابقين، فإنّهم أنبياء مرسلون و غير مرسلين. جعل اللّه فيهم خمسة أرواح: روح القدس و روح الإيمان و روح القوّة و روح الشّهوة و روح البدن. فبروح القدس بعثوا أنبياء مرسلين و غير مرسلين. و بها علّموا الأشياء. و بروح الإيمان عبدوا اللّه و لم يشركوا به شيئا. و بروح القوّة جاهدوا عدوّهم و عالجوا معاشهم. و بروح الشّهوة أصابوا لذيذ الطّعام و نكحوا الحلال من شباب النّساء. و بروح البدن دبّوا و درجوا. فهؤلاء مغفور مصفوح عن ذنوبهم. ثمّ قال: قال اللّه - عزّ و جلّ: تِلْكَ اَلرُّسُلُ فَضَّلْنٰا بَعْضَهُمْ عَلىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اَللّٰهُ. وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجٰاتٍ وَ آتَيْنٰا عِيسَى اِبْنَ مَرْيَمَ اَلْبَيِّنٰاتِ. وَ أَيَّدْنٰاهُ بِرُوحِ اَلْقُدُسِ [https://hadith.inoor.ir/assets/images/quran-logo.png](https://quran.inoor.ir/fa/ayah/2/253) . ثمّ قال في جماعتهم : وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ. [https://hadith.inoor.ir/assets/images/quran-logo.png](https://quran.inoor.ir/fa/ayah/58/22) يقول: أكرمهم ففضّلهم على من سواهم. فهؤلاء مغفور لهم. مصفوح عن ذنوبهم. [↑](#footnote-ref-8)
9. ، وحكي عن علي بن أبي طالب عليه السلام: إن الصفح الجميل هو العفو من غير عتاب.  
   وقيل: هو العفو بغير تعنيف، وتوبيخ(طبرسی)   
   95- في عيون الاخبار عن الرضا عليه السلام حديث طويل و فيه قال عليه السلام‌ في قول الله عز و جل: فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ‌ قال: العفو من غير عتاب.

   96- في أمالي الصدوق (ره) باسناده عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عليهما السلام قال قال على بن الحسين زين العابدين عليه السلام‌ في قول الله عز و جل: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» قال: العفو من غير عتاب. [حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج۳، ص۲۷.](http://lib.eshia.ir/12024/3/27/%D8%B9%D9%8A%D9%88%D9%86" \o "حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج3، ص27." \t "_blank)     [↑](#footnote-ref-9)